

جدید و بسیار متنوع و ارائه آنها به جهان است.

❗شاید بهتر بود کمی بیشتر سوالم را توضیح می‌دادم. منظورم از جهان چندقطبی لزوماً جهانی نیست که در آن قطب‌های قدرت هم‌سطح داریم. می‌دانیم که روسیه در مقابل آمریکا همچنان قدرت خیلی ضعیف‌تری است اما بالاخره این توان را دارد که برای آمریکا در دسر بزرگی ایجاد کند. چینی‌ها هم همینطور. در کنار اینها قدرت‌هایی مثل هند داریم که در مسیر ظهور قرار دارند. تفاوت جهان آینده چندقطبی با دوره‌های قبل این است که قدرت‌های هسته‌ای کوچک هم زیاد داریم و نکته بعد تعداد زیاد بازیگران غیردولتی است. نمی‌گویم که اینها می‌توانند نظم جدیدی ایجاد کنند اما حداقل می‌توانند نظمی را به هم برزنند و یا با مشکل مواجه کنند. مسئله‌ی امروز این است که این وضعیت کلی باعث می‌شود آمریکا به‌یکایی‌ها نتوانند خیلی از کارها را راحت انجام بدهند و یا حتی یک اجماع گسترده جهانی حول خواست خودشان انجام دهند. در مورد اخیر دریای سرخ هم می‌بینیم که نتوانستند عربستان و امارات را با خود همراه کنند و حتی همین اعراب خلیج‌فارس در مسیر حرکت به سمت سیاست خارجی متنوع هستند و حاضر نیستند همه تخم‌مرغ‌هایشان را در یک سبد بگذارند. شاید همه احساس کرده‌اند که جهان در مسیر تحولاتی متنوع قرار گرفته است و بنابراین آنها هم سعی می‌کنند متنوع عمل کنند. حرف من این است که در این شرایط فرضی، پیش‌بینی شما از تعاملات قدرت در چنین ساختاری چیست؟ اگر فرض کنیم که یکی از دلایل شکل‌گیری جنگ جهانی اول تعدد قدرت‌ها و ترس هر کدام از نیت و قصد دیگری بود، در جهان پیش‌رو که متنوع است و تعدد قدرت داریم، چقدر فکر می‌کنید این ترس باز هم کار دست جهان بدهد؟

ما با دنیای جدیدی روبه‌رو هستیم که این در نتیجه پیشرفت سلاح‌ها و قدرت کشتار وسیع آنها و دسترسی آسان به آنهاست. اینها پدیده‌هایی هستند که باید مورد توجه باشند. بحث اما این است که پراکندگی این سلاح‌ها و سهولت دسترسی به آنها با جهان چه می‌کند. آیا جهان را دچار هرج و مرج بی‌سابقه می‌کند و یا آن را به سمت چندقطبی پیش می‌برد و یا نهایتاً آنقدر ترس ایجاد می‌کند که اراده‌ای برای نوعی همگرایی و جلوگیری از فروپاشی جهانی شکل بگیرد؟ من حرفم این است که به‌لر بخش‌هایی از جهان تولید سلاح و دست یافتن به آنها توسط دولت‌های ضعیف و یا غیرمسئول و گروه‌های غیردولتی وضعیت را مخاطره‌انگیز و بی‌ثبات کرده است. دوم اینکه، این روند لزوماً به نظم چندقطبی ختم نخواهد شد. یعنی اینکه ما چند تا قطب مشخص و متخاصم باهم داشته باشیم، بله، کشوری مثل روسیه دائم می‌تواند مراحت ایجاد کند و اگر گفت کنید الان تنها حربه‌اش این است که بگوید من قدرت کشتار دارم. این آقای مددوف که هر چند روز یک بار می‌آید و تهدید استفاده از سلاح هسته‌ای می‌کند، این خودش نشانه ضعف یک دولت است که هنرش این است که می‌تواند

ضربه‌ای به کسی وارد کند و چیز ایجابی برای عرضه ندارد.

با این همه، چون نمی‌توانیم روی عقلانیت و طبیعت خیر بشر قسم بخوریم، پس نمی‌توانیم مطمئن باشیم که جهان حتماً یک نظم مستحکم و عادلانه و صلح‌آمیز پیدا می‌کند. چون بشر در دوره‌های مختلف تاریخ از جمله در دوران جدید، نشان داده که می‌تواند موجود خطرناکی شود. پس این احتمال وجود دارد که شما با یک وضعیت هرج و مرج روبه‌رو شوید. ذهن ما نمی‌تواند آن چشم‌انداز را به‌طور دقیق روشن کند. ولی می‌توانیم بگوییم که فعلاً در جهان مدلی مثل چین که بتواند الهام‌بخش یک آرمان سیاسی و فرهنگی باشد، همچنان غایب است. روس‌ها هم نمی‌توانند. هندی‌ها هم به دلیل گرایشی که به ناسیونالیسم هندوئیستی پیدا کردند، خیلی در جهان معرف نوعی از حیات جدید نیستند. اینها تا اطلاع ثانوی جهان را چندقطبی نمی‌کند اما نیروهای تاثیرگذاری هستند. به نظر من همچنان قدرت اصلی در اختیار آمریکا و مجموعه متحدانش است اما در موقعیتی هم نیستند که در این جهان هر وقت اراده کنند بحرانی را حل کنند اما علامتی بر اینکه اینها در حال باختن بازی به چینی‌ها و روس‌ها هستند، وجود ندارد. هر چه دموکراسی به‌عنوان شیوه اداره کشورها یک شیوه خیلی کندی است و قدرت عکس‌العمل سریعی برای حل مشکل ندارد چون باید اجماع وجود داشته باشد، اما در درازمدت کارایی‌هایش بیشتر است. یعنی ممکن است دچار تنش‌های آنی شود اما در فاصله بلندتر غلبه می‌کند چون با عقلانیت جمعی بیشتری همراه است.

❗الان آنچه که به‌خصوص در منطقه‌ما در حال رخ دادن است، جهت‌گیری کلی‌اش خیلی مهم است. آیا وضعیت به این منوال است که نیروهای غیردولتی در حال کسب موقعیت بالاتری هستند و یا اینکه اتفاقاً اجماع‌های اعلام‌نشده‌ای علیه آنها شکل گرفته است؟ به‌طور مشخص چرا عربستان و امارات به ائتلاف دریای سرخ ملحق نشدند؟ این به معنای دوری آنها از آمریکا و روپاست یا چون این کار می‌توانست آنها را در معرض حملات حوثی‌ها قرار بدهد؟

به‌نظم مورد دوم است. در واقع به‌طور علنی وارد نشدند اما مجموعه کارهایی که پشت‌پرده انجام می‌گیرد، از طریق هماهنگی با آمریکایی‌ها و متحدانش است. یعنی آنها حوثی‌ها را به‌عنوان یک مشکل تعریف می‌کنند که نباید تسلیم‌ش شد. اما در عین حال چون امکانات دفاعی لازم را در مقابل حوثی‌ها ندارند، خودشان را از خط مقدم عقب کشیده‌اند تا کشتارهایی که آسیب‌پذیری کمتری دارند در خط مقدم قرار بگیرند. مثلاً در مورد غزه یا لبنان، هیچ‌وقت در بین کشورهای عربی، آمریکایی، اروپایی و حتی آسیای جنوب

جدید و بسیار متنوع و ارائه آنها به جهان است.

کره شمالی هم سلاح هسته‌ای دارد اما یک کشور منزوی است که تنها خواسته‌اش این است که دنیا آن را به رسمیت بشناسد. کره شمالی هم داعیه‌های جهانی ندارد و در یک موقعیت دفاعی است.

اسرائیلی‌ها هم سلاح هسته‌ای دارند که البته غربی‌ها راه را باز کرده‌اند که بتواند توانایی‌های نظامی‌اش از مجموع دشمنان یا همسایگانش بیشتر باشد. در این چارچوب است که مسئله هسته‌ای ایران مهم شده است.

اهمیش هم در این است که جمهوری اسلامی داعیه ایجاد یک نظم جهانی دارد و خودش را فرامنطقه‌ای تعریف می‌کند و به همین خاطر است که به سمت ایجاد متحدان غیردولتی در عراق، سوریه و لبنان رفته است؛ چون پیدا کردن متحدان دولتی برایش دشوار بوده است

شرقی اینقدر اجماع وجود نداشته است. در مورد طرحی که در باره دوران «پسا‌احماس» در نوار باید پیاده شود، همه‌جا یک حرف زده می‌شود. همه می‌گویند غزه نباید در اشغال اسرائیل بماند. باید راه حل دوکشوری اجرا شود و حماس هم نباید یک قدرت مؤثر در غزه باشد. همه بر اینکه حزب‌الله باید تا پشت رودخانه‌لیتانی عقب بکشد، اجماع دارند. یا حرفش را می‌زنند و یا پشت پرده در حال راینزی هستند. بنابراین همانطور که شما علامتی مبنی بر اینکه دنیا به سمت یک نوع بی‌نظمی و تکثر بازیگران غیرقابل کنترل پیش می‌رود، می‌بینید، از طرف دیگر شاهد همکاری دولت‌هایی هستید که طرح‌ها و نقشه‌هایی دارند تا هم تنش را کم کنند و هم اینکه یک نظمی به‌بعد از ما اجرا بدهند. چنانچه در باره خودتتانی‌ها هم این حرف مطرح می‌شود که او برای خودش مشکلی است. حتی در دوران جنگ سرد هم آمریکایی‌ها نمی‌توانستند راهکار سیاسی و دیپلماتیک‌شان را به دولت‌های راست‌گرای اسرائیلی تحمیل کنند. خیلی آرام‌آرام این کار را انجام می‌دادند. مثلاً در کنفرانس مادرید، آمریکایی‌ها در اوج قدرت بودند. شوروی فروپاشیده بود و آمریکا هم عراق را در کویت شکست داده بود. اما در آن زمان هم آمریکایی‌ها به زور اسحاق شامیر را وادار کردند در کنفرانس صلح مادرید حضور پیدا کند. او هم با بی‌میلی به این کنفرانس رفت و دست آخر هم تن داد و راه دیگری انتخاب شد. الان هم محدودیت‌ها همان است و درست است که در دسرهای آمریکا زیاد شده، اما نمی‌شود گفت از دیگران عقب افتاده است. آمریکا هنوز به لحاظ اقتصادی، فناوری، فرهنگی و رسانه‌ای و تمدنی و فکری بسیار از همسایگانش پیشتر باشد. در این چارچوب زیاد شده و شکاف‌های سیاسی عمیق شده است. اما اینها به این دلیل است که مجموعه نیروهای اثرگذار بر آگاهی انسان‌ها خیلی زیاد شده است و ظاهراً آنفقط در جامعه‌ما بلکه در همه جای دنیا ذره‌ای شدن جامعه در حال رخ دادن است. این ذره‌ای شدن باعث می‌شود که همه‌بخوانند تاثیر بگذارند و وضع پیچیده شود. در نهایت من فکر می‌کنم که ما ممکن است با یک جهان تک-چندقطبی روبه‌رو شویم. اروپا به سمت مقابله با آمریکا نرفته است. ژاپنی‌ها دوست نزدیک آمریکا هستند و هندی‌ها هم خودشان را در مقابل آمریکا تعریف نمی‌کنند. هر چه‌ر کدام هم منافع خودشان را دارند. در واقع اینها به صورت تجمیعی عمل می‌کنند پس بر روی هم یک قدرت همچنان بزرگ هستند و نیروهای مقابل‌شان روسیه و چین هستند. روسیه درگیر جنگ است ولی واقعاً قدرت مستاصلی شده است و شاید بزرگ‌ترین گرفتاری غرب این است که فروپاشی روسیه می‌تواند مشکلات زیادی برای نظام جهانی به‌بار بیاورد. یعنی بقای روسیه و حضور این دولتی که هست برای نظم جهانی از عدم حضورش بهتر است. چون اساساً معلوم نیست که‌با فروپاشی روسیه چه اتفاقی رخ خواهد داد و قفقاز و جمهوری‌های مسلمان نشین بعد از فروپاشی روسیه‌با چه شرایطی مواجه خواهند شد؟ با اینکه روسیه مدام غرش می‌کند اما مجموع قدرتش محدود است. مگر اینکه بخواند دست به یک خودکشی هسته‌ای بزند. چینی‌ها هم در چارچوب بازی می‌کنند. آنها می‌فهمند که جهان به‌هم‌ریخته و ازهم‌گسسته، هیچ کمکی به آنها نمی‌کند. نهایتاً با همه متحدان آمریکا ارتباط برقرار می‌کنند و گاهی اوقات نقش آنها به‌نوعی مکمل نقش آمریکا هم هست. در خصوص آشتی عربستان و ایران، چینی‌ها همان نقشی را بازی کردند که مورد قبول آمریکا بود. این آشتی باعث شد که نوک تیز حملات حوثی‌ها کند شود؛ هم در راستای منافع چین بود و هم در راستای منافع آمریکا. فرض کنید اگر الان حوثی‌ها همان شرایط قبل را داشتند، مسلماً عربستان و آراکورا تهدید می‌کردند و چه‌بسا هدف می‌گرفتند. برع‌برع این، آنقدر نمی‌شود در باره آینده، پیش‌بینی فاطمی داشت چون ما با جهانی نامتعین روبه‌رو هستیم. اما بشر به لحاظ غریزه بقا از یک جهان پر از هرج و مرج و پر آشوب نگران می‌شود. این غریزه بشر را به این سمت می‌برد که به تثبیت آرامش کمک کند.

❗البته برعکس آن هم ممکن است. ممکن است این نگرانی باعث شود که دست به رفتارهایی بزند که اوضاع وخیم‌تر شود؟

بستگی دارد که این بشر برهم‌زننده کجای جهان ایستاده است و چقدر با آن نظم کلی همسو است؟ نیروهایی که از این نظم آسیب می‌بینند و به حاشیه می‌روند، ممکن است واکنش منفی نشان دهند.

❗دلیل مطرح کردن این سوال این بود که تجربه تاریخی ما می‌گوید که هر زمان جهان با کانون‌های مختلف قدرت روبه‌رو بوده، جنگ‌های بزرگ رخ داده است و دلیل رخ دادن جنگ‌ها لزوماً خواست قدرت‌های بزرگ نبوده و گاهی اوقات طرف سومی بوده که دو قدرت بزرگ را با هم درگیر کرده است. اگر فرض کنیم که در نظم جدید، ما شاهد بازیگران اثرگذار در سطوح پایین‌تر باشیم و الان هم نشانه‌هایش دیده می‌شود، ممکن است این بازیگران ادراک تهدید را در قدرت‌های بزرگ شکل بدهند. نکته بعدی هم این است که ما در شرایطی وارد یک نظم جهانی جدید می‌شویم که پدیده سلاح هسته‌ای داریم. نظم آینده حتماً تک‌قطبی یا دوقطبی نخواهد بود. در دوران گذشته و به‌خصوص قبل از جنگ جهانی اول که نظام چندقطبی در اروپا وجود داشت، ما پدیده سلاح هسته‌ای نداشتیم. در دوران دوقطبی بعد از جنگ سرد هم اگرچه پدیده سلاح هسته‌ای وجود داشت اما آمریکا و شوروی قواعدی را بین خود برای روبرویی تعیین کرده بودند و این قاعده این بود که دست به سلاح هسته‌ای نبرند. ما امروز قدرت‌های بزرگ هسته‌ای داریم و قدرت‌های کوچک‌تر هسته‌ای و قدرت‌های در آستانه گریز هسته‌ای هم داریم مثل ایران. دکترین‌های هسته‌ای هم که تا به حال معرفی شده‌اند همه بر مبنای دو کشور هسته‌ای نوشته شده‌اند نه چند کشور.

یکشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم • شماره ۴۷۲
www.hammihanonline.ir

تصورش را بکنید، آنطوری که آمریکایی‌ها می‌گویند، زمانی فرا برسد که چین زرادخانه هسته‌ای‌اش را بسیار گسترش دهد و هم‌عرض روسیه و آمریکا شود. با چه راهکاری باید بین این سه قدرت هسته‌ای بالانس برقرار کرد. تصور چنین دنیایی، تصور وحشتناکی است.

سلاح‌های هسته‌ای در یک دوره‌ای بازدارنده بوده است و همچنان خطر استفاده از آنها می‌توانده نبایودی کل جهان بشریت منجر شود. احتمالاً این مسئله را همه می‌دانند و بعید است به آن سمت حرکت کنند. بالاخره تا به حال که یک خط قرمزی وجود داشته است.

❗چه تضمینی وجود دارد که این خط قرمز همچنان باقی بماند؟

در واقع هیچ تضمینی وجود ندارد. اما مدت‌هاست که هند و پاکستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای به سلاح هسته‌ای دست پیدا کرده‌اند، اما یک توازن قوایی بین‌شان برقرار شده است. این احتمال که بین این دو کشور جنگ خونینی اتفاق بیفتد، دیگر احتمالی ضعیف است. اما اینها داعیه‌های جهانی ندارند که بخوانند از این سلاح‌ها در نقاط دیگری علیه کشور دیگری استفاده کنند. کره شمالی هم سلاح هسته‌ای دارد اما یک کشور منزوی است که تنها خواسته‌اش این است که دنیا آن را به رسمیت بشناسد. کره شمالی هم داعیه‌های جهانی ندارد و در یک موقعیت دفاعی است. اسرائیلی‌ها هم سلاح هسته‌ای دارند که البته غربی‌ها راه را باز کرده‌اند که بتوانند توانایی‌های نظامی‌اش از مجموع دشمنان یا همسایگانش پیشتر باشد. در این چارچوب است که مسئله هسته‌ای ایران مهم شده است. اهمیتش هم در این است که جمهوری اسلامی داعیه ایجاد یک نظم جهانی دارد و خودش را فرامنطقه‌ای تعریف می‌کند و به همین خاطر است که به سمت ایجاد متحدان غیردولتی در عراق، سوریه و لبنان رفته است؛ چون پیدا کردن متحدان دولتی برایش دشوار بوده است. سوال این است که چرا بحث اتمی ایران اینقدر برای دنیا مهم شده است؛ در حالی‌که در خصوص باقی کشورها بحث اتمی اینقدر مهم نیست؟ در خصوص باقی کشورها معمولاً یک اعتراضاتی شده و تحریم‌هایی هم اعمال شده اما در نهایت بحث تمام شد و رفت پی کارش. دلیل اصلی این است که ایران داعیه منطقه‌ای و حتی داعیه جهانی دارد و نیرویی در ایران بر سر کار است که از نظم و فرهنگ جهانی خود را متضرر می‌بیند و بنابراین نه‌فقط در سطح ملی بلکه در سطح منطقه و جهان هم مدعی است. در عین حال، همه نیروهایی که اینطور فکر می‌کردند، بسیج کرده است، به همین خاطر است که غربی‌ها دسترسی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای را خط قرمز معرفی می‌کنند و خواهند گذاشت چنین اتفاقی رخ دهد، من فکر می‌کنم که جمهوری اسلامی هم این حساسیت را درک کرده و متوجه است که به‌هزینه‌اش نمی‌ارزد که بخواند به سمت ساخت سلاح هسته‌ای برود. از این جهت ما حتی در همین منطقه می‌بینیم که اتفاقاً برنامه هسته‌ای ایران پرونده‌ای است که شاید روی اجزای آن یک اتفاق نظری وجود دارد. یعنی شما وقتی به شورای امنیت، شورای حکام و باقی بازیگران به‌خصوص روسیه و چین نگاه می‌کنید و کشورهای غربی و عربی را هم در این محاسبه می‌کنجانب، می‌بینید که تقریباً هیچ کدام موافق دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیستند. این ناشی از همان نگرانی‌ای است که شما در سوال تان مطرح کردید. به این معنی که هنوز هم آن کشورهای دسته‌اول هر چه رویاهای مختلفی دارند اما همچنان در یک بستر می‌خوابند، چون نمی‌خواهند همه چیز از هم بپاشد.

❗این را قبول دارید که تجربه گذشته در خصوص بعضی کشورهایی که داشتند به سمت ساخت سلاح می‌رفتند، می‌تواند انگیزه‌هایی برای ساخت سلاح ایجاد کند. البته شما معتقدید که سلاح هسته‌ای باعث شده یک توازن وحشتی ایجاد شود و همه احتیاط کنند. اما تجربه جنگ سرد نشان داده‌با اینکه آمریکا و شوروی خیلی در استفاده از این سلاح احتیاط می‌کردند اما این بازدارندگی مبتنی بر سلاح هسته‌ای موجب نشد که جنگ‌های نیابتی بین قدرت شرق و غرب و حمله کشورهای این بلوک به همسایگان‌شان در بلوک دیگر، متوقف شود. در این شرایط فرضی، اگر قبول کنیم که قدرت‌های هسته‌ای با هم دچار تصادم هسته‌ای نخواهند شد، آیا ممکن است طبق الگوی قبلی وارد جنگ نیابتی با هم بشوند. آیا ممکن است این ادراک تهدید در ایران شکل بگیرد که بگوید من در این جنگ نیابتی چه چیزی دارم که بتواند با استفاده از آن از خودم دفاع کنم؟ و آیا کس‌ای هستند در داخل ایران که به این فکر بیفتند که با این توجیهات باید رفت به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای و آن خطراتی هم که شما اشاره کردید را به‌عنوان هزینه طبیعی چنین اقدامی بپذیرند؟

آنچه بین قدرت‌های بزرگ رخ می‌دهد و رفتاری که جمهوری اسلامی دارد دو داستان متفاوت است. روسیه مثل قبل اقمار زیادی ندارد. در حال حاضر یک دوست خیلی نزدیک دارد و آن هم بلاروس است. دیگر مثل گذشته نیست که یک اتحاد جماهیر شوروی داشته باشیم که بر نصف اروپا و بخش بزرگی از آسیا سیطره و در همه جای جهان متحدانی داشته باشد. اگر هم کشورهایی تمایلی به روسیه دارند، باز هم آن تمایلات ایدئولوژیکی که در گذشته به شوروی وجود داشت، الان در خصوص روسیه وجود ندارد. نفوذ روسیه در فرامرز خود آنقدر زیاد نیست. بیشتر کاری که روسیه در سال‌های اخیر انجام داد در سوریه بود اما حتی در سوریه در خیلی فعال نیست و عملاً بعد از آغاز جنگ غزه، روسیه در سوریه بازیگر بزرگی نیست. چینی‌ها هم اساساً به دنبال بلوک‌بندی نیستند. چنانچه با همه کشورهایی که دوست و متحد آمریکا هستند، رابطه دارند و نوعی ادغام منافع صورت گرفته است. **❗**

دیپلمات‌ها



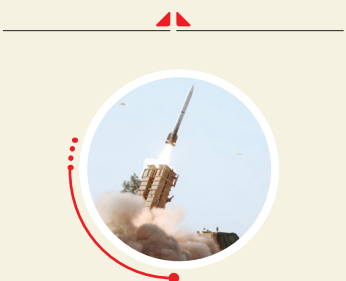
تحریم‌های جدید علیه ایران

در ادامه سیاست‌های تحریمی و ضدایرانی واشنگتن، وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم‌هایی را علیه شبکه‌ای از شرکت‌ها و افرادی که به ادعای آن در تسهیل انتقال فناوری ده‌ها شرکت آمریکایی به نهادهای ایرانی از جمله بانک مرکزی ایران نقش داشته‌اند، وضع کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا جمع‌شب با انتشار بیانیه‌ای با اعلام خبر وضع تحریم‌های جدید علیه ایران خاطرنشان کرد که این تحریم‌ها به شرکت خدمات انفورماتیک (ISC) وابسته به فناوری بانک مرکزی ایران (CBI) مرتبط است. در این بیانیه ادعا شده است که کالاها و فناوری منتقل شده به بانک مرکزی ایران، شامل اقلامی بوده‌اند که تحت کنترل‌های امنیت ملی و ضدتروریسم وزارت بازرگانی آمریکا قرار دارند. وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین تعدادی از شرکت‌های فرعی ISC و چندشرکت مستقر در ترکیه و امارات متحده عربی و سه فرد مرتبط با آنها، از جمله پورا میردامادی، یک شهروند دو تابعیتی ایرانی-فرانسوی را تحریم کرده است. براین نلسون، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی مدعی شد که بانک مرکزی ایران «نقش مهمی» در ارائه حمایت مالی از حزب‌الله لبنان و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ایفا کرده است.



حمایت ایران از مبارزه با اسلام‌هراسی

امیرسعید ابوالونی، سفیرنماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد از تصویب پیش‌نویس قطعنامه اقدامات مبارزه با اسلام‌هراسی حمایت کرد. نماینده دائم ایران در سازمان ملل روز جمعه به وقت محلی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در توضیح رأی جمهوری اسلامی ایران پیش از تصویب پیش‌نویس قطعنامه اقدامات مبارزه با اسلام‌هراسی افزود: اجازه دهید حمایت کامل خود را از ابتکار پیشنهادی اعضای سازمان همکاری اسلامی برای انجام اقدامات پیگیری جهت رسیدگی به روندرویه رشد نابرداری و تعصب علیه اسلام و مسلمانان در سراسر جهان که چالشی دلهره‌آور برای جامعه بین‌المللی است، تکرار کنم. وی تصریح کرد: در طول چند دهه گذشته، کلیشه‌ها و تعصبات مضر در مورد مسلمانان و اسلام به‌طور مداوم توسط برخی رسانه‌ها، سیاستمداران و تاثیرگذاران فرهنگ عامه تقویت شده و اعمال تبعیض آمیز متعددی در نقاط مختلف جهان با هدف جلوگیری از زندگی مسلمانان مطابق با نظام اعتقادی خود، در حال اجرا است.



نمی‌توانیم تأیید کنیم

یک مقام ارشد آمریکایی اعلام کرد که این کشور همچنان نمی‌تواند ارسال موشک‌های بالستیک از ایران به روسیه را تأیید کند. این مقام آمریکایی مدعی شد در صورتی که ایران به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه بپردازد با عواقب سریع و جدی مواجه خواهد شد. اخیراً خبرگزاری رویترز به نقل از ۶ منبع مطلع مدعی شده بود که ایران تعداد زیادی موشک زمین به زمین به روسیه ارسال کرده است. نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل در صفحه خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) در واکنش به این ادعا نوشته بود: ایران برع‌رم اینکه هیچ محدودیت قانونی در فروش موشک‌های بالستیک ندارد، اما از لحاظ اخلاقی موظف است از معاملات تسلیحاتی در زمان درگیری میان روسیه و اوکراین جهت جلوگیری از تشدید جنگ جلوگیری کند. این (تعهد) در پایبندی ایران به قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل ریشه دارد.